

فصل ۴

سبک‌شناسی قرن‌های ۱۰ و ۱۱ (سبک هندی)

درس
۱۰

اهداف آموزشی درس

- ۱ شناخت ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری سبک هندی؛
- ۲ توانایی تشخیص شعر سبک هندی؛
- ۳ مهارت در تشخیص ویژگی‌های سبک هندی در متون مختلف؛
- ۴ توانایی پاسخگویی به فعالیت‌های کتاب؛
- ۵ توانایی مقایسه ویژگی‌های فکری سبک هندی با عراقی؛
- ۶ آشنایی با ویژگی‌های سبکی نثر این دوره در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری؛
- ۷ ایجاد علاقه و توجه نسبت به تحولات ادبی ایران و دلایل آن.

روش‌های پیشنهادی برای تدریس

- ۱ تدریس اعضای گروه، گروه بندی (سه یا چهار نفره)
- ۲ تلفیقی (پرسش و پاسخ و سخنرانی)
- ۳ کارایی گروه

دانش‌افزایی سبک هندی

روش بررسی سبک‌شناختی متون

برای آنکه بتوانیم متنی را به لحاظ سبک‌شناسی تجزیه و تحلیل و بررسی کنیم باید روشی داشته باشیم. یکی از ساده‌ترین و در عین حال عملی‌ترین راه‌ها این است که متن را از سه دیدگاه زبان، فکر و ادبیات مورد دقت قرار دهیم، تا بدین وسیله بتوانیم به اجزای متشکله متن اشرافی پیدا کنیم و ساختار متن را - با توجه به رابطه اجزا با یکدیگر - دریابیم.

عوامل پیدایش سبک هندی

۱ مذهب: انقلاب اجتماعی که باعث تغییر سبک (از عراقی به هندی) شد، حکومت سلسله صفوی است که مذهب شیعی داشتند. ترویج فرهنگ شیعی از عوامل مؤثر در تغییر تفکر و بیان یعنی تغییر سبک ادبی است. بدیهی است که نباید پنداشت که بدین ترتیب ادبیات دوره صفوی صرفاً ادبیات مذهبی است، زیرا روابط بین علت و معلول در مسائل اجتماعی و فرهنگی، پیچیده، بغرنج و غالباً غیرمستقیم است. از آنجا که حکومت صفویه جریان مذهبی شیعه را ترویج می‌کرد و به شعر مدحی و درباری توجه نداشت، لذا شاعران به دنبال قصیده و شعر مدحی نرفتند. علاوه بر این به شعر عاشقانه و زمینی هم بهایی نمی‌داد و از طرف دیگر به آموزه‌های سنتی عرفانی نیز توجه خاصی نداشت. از این رو توجه شاعران به امور جزئی و پند و اندرز و توصیف و بیان امور طبیعی و تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه و در حقیقت بازسازی اندرزها و تمثیل‌های کهن در زبانی جدید معطوف شد. بیرون آمدن شعر از دربار و از بین رفتن طبقه شاعران درباری در معنای قدیمی و سنتی آن باعث شد که همه اصناف حق ادعای شاعری بیابند زیرا دیگر شعر و شاعری در انحصار طبقه خاصی نبود و شاعر بودن شرایط خاصی از قبیل فضل و آشنایی با ادب عرب و عجم نداشت. از این رو در اسامی شاعران این دوره به انواع مشاغل برمی‌خوریم.

۲ سفر به هند: عدم درآمد از شعر مدحی باعث شد که شاعران جهت امرار معاش یا ثروت‌اندوزی به دربارهای هند روی آورند. زیرا آنجا هنوز به آیین قدیم بازار قصیده و مدح رونق داشت. شاعران به طلب پول و به اصطلاح نظامی عروضی در طلب انتجاع به هند می‌رفتند و در دربارهای آنجا به مقام ملک‌الشعرایی دست می‌یافتند و پس از کسب شهرت و ثروت معمولاً به ایران باز می‌گشتند. آشنایی با تفکرات هندوان و معارف آنان هم شاید تا حدودی در تغییر سبک دخیل بود.

۳ توسعه اصفهان: اصفهان که پایتخت و محل اجتماع شعرا و فضلا بود، توسعه بی‌سابقه می‌یافت و تبدیل به مادرشهر و به اصطلاح متروپولیتن Metropolitan گشت. حتی می‌توان گفت که اصفهان در آن زمان شهری صنعتی بود و در آن کارخانه‌های متعدد قالی‌بافی و شیشه‌گری و کاشی‌سازی... مشغول به کار بودند. صائب می‌گوید:

در کارخانه‌ای که ندانند قدر کار از کار هر که دست کشد کاردان تراست

به جز اصفهان شهرهای دیگر ایران هم رشد و توسعه و شور و جنبشی یافتند. مثلاً کاشان از مراکز مهم شاعران و هنرمندان و دانشمندان بود.

۴ رفاه اقتصادی: رفاه اقتصادی مردم در دوره صفویه و آبادانی شهرهای ایران و رونق تجارت (تجارت خارجی، روابط پولی، واردات و صادرات) و کسب‌وکار این امکان را برای همه مردم پدید آورده بود که هر کس به وسع خود به نحوی به امور فرهنگی از جمله ادبیات و شعر و شاعری هم پرداختند.

۵ علاقه شاهان صفوی به فرهنگ: هر چند شاهان صفوی در نفوذ زبان ترکی در ایران سهم فراوان دارند اما کم و بیش به زبان فارسی هم کتاب نوشته‌اند یا شعر گفته‌اند یا به ادب توجهی نشان داده‌اند. شاهان صفوی مقام شیخی و رهبری طریقت داشتند و از این رو می‌باید خود را در مقام فرهنگی والایی نگاه می‌داشتند و علاوه بر این با رؤسای مذهب در تماس نزدیک بوده‌اند و از طرف دیگر رقاباتی چون شاهان عثمانی و هندی داشتند که همه به مسائل فرهنگی توجه داشتند. این عوامل باعث شده بود که به‌طور کلی شعر و شاعری و هنر و معماری مورد توجه قرار گیرد. هنرهایی چون قالی‌بافی، سفالگری، شیشه‌سازی، نقاشی، تذهیب و خوشنویسی در دوران صفویه رشد فراوان یافتند. بهزاد (زمان شاه اسماعیل) و رضاعباسی (زمان شاه عباس) از مفاخر هنرند.

ساختار سبکی بیت هندی

قالب شعر در سبک هندی تک‌بیت است نه غزل، منتها این ابیات با نخ قافیه و ردیف به هم وصل شده و شکل غزل یافته‌اند.

ساختار بیت هندی چنین است که در مصراعی مطلب معقولی گفته شود یعنی شعاری مطرح شود و در مصرع دیگر با تمثیل یا رابطه لف و نشری یا تشبیه مرکب، آن‌را محسوس کنند. بدین ترتیب مهم‌ترین بحث سبک هندی در حقیقت حتی بیت هم نیست بلکه مصرع است. مصرع معقول یعنی مصرعی که در آن شعاری داده می‌شود. اما مصرع محسوس یعنی مصراعی که شعر را تبدیل به شعر می‌کند باید تازه و ابتکاری باشد.

بدین ترتیب شاعر بزرگ در سبک هندی شاعری است که ذهن او بتواند مدام بین معقول و محسوس روابط تازه ایجاد کند. از این‌رو گاهی از باب امتحان مصراعی به کسی پیشنهاد می‌کردند تا ببینند او چگونه برای آن معادل‌سازی هنری می‌کند. رابطه بین دو مصرع به هر حال باید تشبیهی باشد و سعی در این است که وجه شبه تازه باشد. و اینک چند نمونه:

سبک‌رو جای خود وا می‌کند در سنگ اگر باشد
چو آب افتاد در ره جویباری می‌شود پیدا
صائب

با کمال احتیاج از خلق استغنا خوش است
با دهان تشنه مردن بر لب دریا خوش است
صائب

در تمام این مثال‌ها مصرع اول معقول و مصرع دوم مشبه به محسوس است.

معروف‌ترین شاعران سبک هندی

کلیم کاشانی یا همدانی (۱۰۶۱) ملک‌الشعرا دربار شاه جهان بود. شعرهای او کاملاً معتدل است و بیشتر به غزل‌های سبک عراقی شبیه است تا شعرهای سبک هندی. میرزا صائب اصفهانی یا تبریزی (۱۰۸۰) معروف‌ترین شاعر سبک هندی است که بیش از هر شاعر دیگری در ادبیات فارسی غزل دارد. او مردی فاضل بود و در اشعار قدما مخصوصاً حافظ و مولانا تتبع کافی داشت و به اشعار معاصران خود نیز توجه داشت.

عبدالقادر بیدل دهلوی (۱۰۵۴-۱۱۳۳) بزرگترین شاعر فارسی‌گوی هند است، اشعار او به دشواری و تعقید معروف است. غزلیات او برخلاف اکثر غزلیات شاعران سبک هندی که به غزل عاشقانه نزدیک است جنبه عرفانی دارد.

مختصات سبک هندی

۱ زبان: چنان‌که گفتیم روآوردن طبقات مختلف مردم به شعر - که عمدتاً تحصیلات ادبی نداشتند - باعث شد که زبان کوچه و بازار به شعر راه یابد و از این رو خون تازه‌ای در زبان شعر دمیده شد. از طرفی وسعت دایره واژگان شعر گسترش یافت و از سوی دیگر بسیاری از لغات ادبی قدیم از صحنه شعر رخت بریست به نحوی که می‌توان گفت زبان شعر سبک هندی، زبان جدید فارسی است و دیگر از مختصات زبان قدیم مخصوصاً سبک خراسانی در آن خبری نیست. یکی از علل محو مختصات سبکی زبان قدیم در آثار این دوره حملات پی‌درپی بیگانگان از قبیل مغولان و تیموریان و ازبکان به ایران مخصوصاً نواحی مشرق بود.

۲ فکر: شعر هندی معنی گراست نه صورت‌گرا و شاعران به معنی بیشتر توجه دارند تا به زبان به قول یکی از ادبا هیچ معنا و مضمونی در جهان نیست که در شعر صائب نیامده باشد. کار شاعران سبک هندی ترجمه مطالب فلسفی و عرفانی و غنایی گذشتگان به بیان سبک هندی بود و نهایتاً آن را علی‌رغم صورت مبهمش ساده فهم‌تر و خلاصه‌تر می‌کرد. کوشش شاعر سبک هندی مضمون‌یابی و ارائه خیال خاص و معنی برجسته است، یعنی فکری جزئی اما تازه و نگفته و بیان آن به‌صورتی اعجاب‌انگیز. شعر سبک هندی شعر مضمون است نه موضوع. یک نکته قابل توجه در شعر این دوره ورود افکار و لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان است که هرچند چندان چشمگیر نیست اما جا دارد به‌صورت جدی مورد مطالعه قرار گیرد.

۳ ادبیات: در سبک هندی چندان به بدیع و بیان توجه نمی‌شود. البته تشبیه اساس سبک هندی است اما از دیگر امور بدیعی و بیانی جز به‌صورت طبیعی و تصادفی خبری نیست زیرا شعر سبک هندی شعر مضامین اعجاب‌انگیز و ایجاد رابطه‌های غریب است. از همه صنایع بیشتر، تلمیح مورد توجه شاعران این دوره است که در مضمون‌سازی نقش فعالی دارد و می‌تواند از مصالح کار باشد. قالب مسلط در این دوره علی‌الظاهر غزل است، اما غزلی که حد و حدود ندارد و مثلاً به حدود ۴۰ بیت هم می‌رسد و تکرار قافیه در آن امری طبیعی است.

۱ ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری...

قلمرو زبانی	قلمرو ادبی	قلمرو فکری
کم‌بودن واژگان عربی	تشبیه (بیت ۴ و ۵)	مضمون‌سازی (بیت ۲ و ۴)
کاربرد واژگان کوچه و بازاری (روی مزار)	تشخیص: موج (نبض موج)	کامل‌بودن معنای تک‌بیت‌ها (بیت ۴)
به‌کاربردن واژه‌هایی که کمتر در شعر پیشینیان به کار رفته است. (چنار - مزار)	قابلیت به‌شمار آوردن تک‌بیت به‌عنوان مفردات (بیت ۲)	یافتن فکری جزئی اما تازه و نگفته و بیان آن به صورتی اعجاب‌انگیز (بیت ۵)

۲ بیت‌های زیر را...

الف) گل و گریهٔ گلاب: استعاره (تشخیص) گریهٔ تلخ: حس‌آمیزی
 ب) چشم کوکب‌ها: کوکب: استعاره (تشخیص) حسن تعلیل: به دلیل کرشمهٔ آسمان ستاره‌ها چشمک می‌زنند.

۳ سبک نثر دورهٔ هندی...

ویژگی‌های زبانی سبک هندی در صفحهٔ ۸۷ و سبک عراقی در صفحهٔ ۴۰ و ۴۱.

۴ در مورد دلیل نگارش...

آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان‌ها (مغولی، ترکی، عربی و...) نگارش کتاب‌هایی با عنوان فرهنگ لغت را در این دوره رواج داد. (واردشدن واژگان بیگانه منجر به تدوین فرهنگ‌نویسی شد.)

۵ بیت زیر را...

بهره بردن از آرایه‌های ادبی: تناسب میان (سنگ و منجنیق) / تضاد (سنگ و

آبگینه// استعاره (منجیق فلک) به تصویرآفرینی و مضمون‌سازی شاعر در بیت می‌توان اشاره کرد.

۶ وزن بیت زیر...

مفاعیلن مفاعیلن فعولن

تُ اَیْنَ عَه دِی	کِ بَا مَن بَسَد	تَدِ بُو دِی
مَدَّ گَر بَه رِ	شَد کَس تَن بَسَد	تَدِ بُو دِی

۷ متن زیر را از...

ویژگی‌های زبانی:

الف) مطابقت موصوف و صفت به شیوهٔ زبان عربی: طبقهٔ علیه؛
ب) تتابع اضافات: ناظمانِ مناظِمِ سخن‌پیرایی و پیرایه‌بندانِ سلسلهٔ معنی‌آرایی؛
پ) کاربرد جملهٔ طولانی.

ویژگی‌های ادبی:

الف) اشتقاق: ناظم و مناظِم؛
ب) تناسب: ناظمان، مناظِم، سخن‌پیرایی، معنی‌آرایی، شاعران و...

پایه‌های آوایی همسان دولختی

درس
۱۱

اهداف آموزشی درس

- ۱ آشنایی با ابیات همسان دولختی؛
- ۲ تقویت مهارت خوانش شعر بر اساس ابیات همسان دولختی؛
- ۳ تشخیص اوزان همسان دولختی از غیر دولختی؛
- ۴ درک زیبایی‌های شعر از طریق خوانش شعر و کشف موسیقی حاصل از آن؛
- ۵ ایجاد انگیزه برای پیدا کردن نمونه‌های شعری اوزان دولختی؛
- ۶ تقویت مهارت شنیداری و تشخیص تفاوت اوزان همسان دولختی از دیگر اوزان از طریق گوش و شنوایی.

روش‌های پیشنهادی برای تدریس

- ۱ کارایی گروه
- ۲ پرسش و پاسخ
- ۳ بحث و گفت‌وگو
- ۴ تلفیقی (کارایی گروه، پرسش و پاسخ و سخنرانی)

دانش‌افزایی اوزان دوری

غزل زیر را با دقت می‌خوانیم:

شکریست با شکایت	زان یار دلنوازم
بشنو تو این حکایت	گر نکته‌دان عشقی
هر خدمتی که کردم	بی‌مزد بود و منت
مخدوم بی‌عنایت	یا رب مباد کس را
آبی نمی‌دهد کس	رندان تشنه لب را
رفتند از این ولایت	گویی ولی‌شناسان
ای دل میپیچ کان جا	در زلف چون کمندش
بی‌جرم و بی‌جنایت	سرها بریده بینی
خون خوردومی‌پسندی	چشمت به غمزه ما را
خون‌ریز را حمایت	جانا روا نباشد
گم گشت راه مقصود	در این شب سیاهم
ای کوکب هدایت	از گوشه‌ای برون آی
جز وحشتم نیفزود	از هر طرف که رفتم
وین راه بی‌نهایت	زنهار از این بیابان
می‌جوشد اندرونم	ای آفتاب خوبان
در سایه عنایت	یک ساعت بگنجان
صورت کجا توان بست	این راه را نهایت
بیش است در بدایت	کش صد هزار منزل
روی از درت نتابم	هر چند بردی آبم
کز مدعی رعایت	جور از حبیب خوش‌تر
ور خود به سان حافظ	عشقت رسد به فریاد
در چارده روایت	قرآن ز بر بخوانی

همان‌گونه که در هنگام خوانش شعر متوجه شدید، ابیات این غزل آهنگ خاصی دارد و هر مصراع آن به دو پاره تقسیم می‌شود. بعد از پاره اول، وقفه یا مکثی بالقوه یا بالفعل هست؛ چنان که در شعر فوق بعد از «گر نکته‌دان عشقی» و «زان یار دلنوازم» می‌توان مکث کرد.

وزن دوری به وزنی گفته می‌شود که بتوان هر مصراع را مرکب از دو نیم مصراع (پاره) متساوی پنداشت. هر یک از این پاره‌ها، دو رکن مختلف دارد که عیناً در پارهٔ دوم تکرار می‌شود. در وزن دوری غالباً کلام در پایان پاره (یعنی با رکن دوم) تمام می‌شود. به هر حال در وسط مصراع مکث می‌کنیم. وزن دوری فقط از اوزان متناوب‌الارکان درست می‌شود نه از تکرار یک رکن، مانند شعر حافظ که از تناوب «مستفعلن» و «فعولن» درست شده است.

اهمیت وزن دوری

اهمیت وزن دوری در این است که وسط مصراع حکم پایان مصراع را می‌یابد: یعنی می‌توان در آنجا قافیه^۱ آورد، مکث کرد، یک یا دو صامت اضافه بر وزن آورد. چنان که قبلاً خواندیم شاعر مختار است که در پایان مصراع، یک یا دو صامت اضافه بر وزن بیاورد در این صورت بر طبق قاعده، آن صامت (یا صامتها) در تقطیع محسوب نمی‌شود، در اوزان دوری شاعر عین همین اختیار را در پایان پاره اول مصراع نیز دارد.

مثال:

چندان که گفتم // غم با طیبیان درمان نکردند // مسکین غریبان
حافظ

فع لن فعولن || فع لن فعولن یا مستفعلن فع || مستفعلن فع

در اینجا «د» در وسط مصراع دوم اضافه بر وزن است و در نتیجه از تقطیع ساقط است.

هر غزلم نامه‌یست // صورت حالی در او
نامه نوشتن چه سود // چون نرسد سوی دوست
سعدی

مفتعلن فاعلن || مفتعلن فاعلن

«ست» در نامه یست و «د» در سود اضافه بر فرمول و از تقطیع ساقط‌اند.

۱. امروزه به آن قافیه درونی و در قدیم سجع می‌گفتند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود در این هر دو مثال اولاً کلام درپاره‌های اول با رکن تمام شده و مکثی ایجاد گردیده است و ثانیاً رکن سوم و چهارم تکرار همان رکن اول و دوم است و ثالثاً در وسط شعر یک صامت یا دو صامت اضافه بر وزن آمده است. علاوه بر جنبه مهم فوق، باید توجه داشت که اوزان دوری خوش آهنگ‌ترین اوزان شعری هستند و نیز قسمت اعظم زبایبی عروض فارسی بر عهده اوزان دوری است؛ زیرا با ترکیب ارکان مختلف می‌توان اوزان تازه ساخت.

تشخیص وزن دوری

عملی‌ترین محک برای تشخیص وزن دوری آن است که اگر شاعر در وسط مصراع صامت اضافه آورده باشد با حذف آن وزن صحیح باشد؛ و اگر نیاورده باشد ما خود بتوانیم یک یا دو صامت به وسط شعر بیفزاییم و باز در وزن خللی ایجاد نشود:

مها تویی سلیمان، فراق و غم چو دیوان چو دور شد سلیمان، نه دست یافت شیطان؟

مولوی

مفاعِلن فَعولن، مفاعِلن فَعولن

می‌توانیم بگوییم:

مها تویی سلیمان، فراق و غم چو دیوان
چو دور شد سلیمان، نه دست یافت شیطان

خودارزیابی

۱ کدام یک از بیت‌های زیر...
الف) دارای وزن دوری است.

پایه‌های آوایی	یک عُم ر او سَر سِ	دو رُ تَن ها پُر دِ می خاست	تَن ها بِ مَن دِل سِ	جُر مِ این کِ پُر دِ بو دَم
وزن واژه	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
خوشه‌های هجایی	ـ --	ـ --	ـ --	ـ --

۲ در نمونه‌های زیر...
ب) آیینۀ سکندر...

پایه‌های آوایی	آیی ن تا بَر تْ	ی س کَن دَر عَر ضِ دا رَد	جَا مِ می أَح وَا لِ	یَس تِ بِنِ گَر مُل کِ دا را
وزن واژه	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
خوشه‌های هجایی	ـ --	ـ --	ـ --	ـ --

پ) ای صبح شب‌نشینان...

پایه‌های آوایی	ای صُب حِ از بَس کِ	شَب نِ شی نان دی رَ مانِ دی	جَا نَم بِ چُن شامِ	طاقِ تا مَد روزِ دا ران
وزن واژه	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
خوشه‌های هجایی	ـ --	ـ --	ـ --	ـ --

۳ پایه‌های آوایی بیت‌های...
الف) باغ سلام می‌کند...

پایه‌های آوایی	باغ سَ لا سَب زِپِ یا	مِ می کُ نَد دِ می رَ وَد	سَر و قِ یا عُن چِ سَ وا	مِ می کُ نَد رِ می رِ سَد
وزن واژه	مفتعلن	مفاعِلن	مفتعلن	مفاعِلن
خوشه‌های هجایی	ـ --	ـ --	ـ --	ـ --

ب) ای صاحب کرامت...

پایه‌های آوایی	ای صاحب روزی ت	بِ کِ را مَت فَقُّ قُ دِی کُنْ	شُک را نِ دَرِوی شِ	یِ سَ لا مَت بِی نَ وا را
وزن واژه	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
خوشه‌های هجایی	U--	--U-	U--	--U-

زیرا از ارکان متناوب درست شده است نه تکرار یک رکن؛ مکثی بالقوه در میان مصراع است؛ هجای پایان نیم مصراع حکم پایان مصراع را دارد.

۴ بیت زیر را بخوانید...

ب) ای دوست شکر...

پایه‌های آوایی	ای دو ست ای دو ست	شِ کَر خُش تَر قَ مَر خُش تَر	یا آن کِ یا آن کِ	شِ کَر سا زَد قَ مَر سا زَد
وزن واژه	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	U--	--U-	U--	---U

۵ برای هر کدام از موارد زیر...

الف) مجاز: شکر / جام می

ب) استعاره: الفبای درد / جام می / سرای کهن / باغ / سرو / سبزه / غنچه.

پ) تشبیه: درودی چو نور / آئینه سکندر جام می است.

۶ بیت خود ارزیابی ۴ را...

خالق و معشوق ازلی برتر و بالاتر از همه چیز است و ما با دیدن پدیده‌های جهان هستی و درک زیبایی و خوشایندی آنها به یاد خالق توانای آنها می‌افتیم.

اهداف آموزشی درس

- ۱ آشنایی با مفهوم کنایه؛
- ۲ توانایی تشخیص کنایه در متن؛
- ۳ درک تفاوت کنایه با مجاز؛
- ۴ توانایی کاربرد کنایه در متن؛
- ۵ مهارت یافتن مفاهیم کنایی در متن‌های خارج از کتاب.

روش‌های پیشنهادی برای تدریس

- ۱ بحث و گفت‌وگو
- ۲ پرسش و پاسخ
- ۳ کارایی گروه

دانش‌افزایی

کنایه علاوه بر متون ادبی در زبان عادی نیز به وفور به کار می‌رود بسیاری از تعارفات به صورت کنایه است: آفتاب از کدام سمت تابیده؟ یعنی چه اتفاق خارق‌العاده‌ای افتاد که شما این کار را کردید و مثلاً به خانه ما آمدید؟ دشنام‌ها نیز گاهی به صورت کنایی است: تفو بر تو ای چرخ گردون تفو!

همین‌طور بسیاری از ضرب‌المثل‌ها کنایه هستند: دست ما کوتاه و خرما بر نخیل که کنایه از عدم دسترسی است یا شاهان کم‌التفات به حال گدا کنند که کنایه از بی‌مهری و بی‌اعتنایی است.

کنایه‌های نوین: نباید پنداشت که شاعران و نویسندگان همواره کنایه را از زبان مردم می‌گیرند، بلکه در مواردی خود زمینه‌ساز یک کنایه جدید هستند.

و این جهان پر از صدای حرکت پاهای مردمی است
 که همچنان که ترا می‌بوسند
 در ذهن خود طناب دار تو را می‌بافند (فروغ)
 که بوسیدن کسی و در همان حال طناب دار او را بافتن کنایه از دشمنی پنهان و کینه
 باطنی است!

خودارزیابی

۱ کنایه‌ها را در مثال‌های زیر...

- الف) جهیدن کنایه از: ترک محل یا فرار، لنگر نهادن کنایه از: اقامت و ماندن در جایی
 ب) پای به گل فروشد کنایه از: درماندگی، گردِ درِ ما گردید کنایه از: به سوی ما
 بیایید
 پ) میل تماشا شدن نداشتن کنایه از: عدم تمایل به اظهار وجود و عقیده
 ت) دل ز مهر پاک کردن کنایه از فراموش کردن معشوق، خفتن در خاک کنایه از: مردن
 ث) عنان گسسته دواندن کنایه از: به سرعت رفتن
 ج) سنگ به پا در آمدن کنایه از: دچار سختی و مشکل شدن

۲ مفهوم کنایی عبارتهای...

- الف) مفهوم مصراع دوم: گاهی پیروزی و گاهی شکست نصیب انسان می‌شود.
 ب) مفهوم کنایی مصراع دوم: نتیجه هر عملی متناسب با خود آن عمل است.
 پ) نقش بر آب زدن کنایه از: کار بی ثبات و بیهوده کردن
 ت) سرکشی کنایه از: نافرمانی و بی‌توجهی

۳ در نمونه‌های زیر...

- الف) مصراع دوم کنایه از: دزدیده گوش کردن

- (ب) دل بستن کنایه از: علاقه‌مندی
(پ) کرانه ناپدید : کنایه از گسترده
(ت) از خود به در شدن کنایه از: از خود بی خود شدن
(ث) پیشانی بر خاک نهادن کنایه از اظهار بندگی، دل از خاک برداشتن کنایه از: قطع علاقه از دنیا
(ج) در کوبیدن کنایه از متوسل شدن، خاک بر سر کردن کنایه از: چاره اندیشیدن در سخت‌ترین حالت.

۴ ویژگی‌های زبانی و فکری...

ویژگی‌های زبانی:

- (الف) زبان شعر ساده است و در آن الفاظ عربی مشاهده نمی‌شود.
(ب) زبان ساده است و سبک شعری مولوی سبک عراقی است ولی این بیت به مختصات زبانی سبک خراسانی نزدیک است.
(پ) زبان شعر کمی دشوارتر از زبان شعر سبک خراسانی است. سبک شعری حافظ سبک عراقی است.
(ت) کلیم همدانی از شعرای سبک هندی می‌باشد. زبان شعرش در این بیت ساده است.

ویژگی‌های فکری:

- (الف و ب) واقع‌گرایی با توجه به دنیای بیرون؛
(پ) فراق و غم‌گرایی؛
(ت) درون‌گرا و بیان احوال شخصی.

۵ وزن بیت زیر...

مفتعلن فاعلن / مفتعلن فاعلن

کارگاه تحلیل فصل چهارم

۱ دو غزل زیر را...

وزن غزل سعدی: مفاعن فعلاتن مفاعن فعلن
وزن غزل صائب: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

قلمرو زبانی و فکری غزل سعدی:

■ کاربرد قدیم: «یاد می‌نکند»

■ زبانی: جابه‌جایی ضمیر: «هزار جان عزیزت فدای جان» - «گرم تو در نگشایی»

حذف به قرینه معنوی: به راستان (قسم می‌خورم) - به دوستان (قسم می‌خورم)

■ فکری: طبق غزل سبک عراقی آن کس که مهم است معشوق است، نه عاشق

غزل صائب:

■ زبانی: «را»ی فک اضافه: ای دفتر حسن تو را فهرست...

شبه جمله (صوت): ای دفتر حسن تو را

استفاده از اصطلاحات عامیانه: یک کوچه راه - ریشه‌ریشه شدن دامن

■ فکری: معشوق نسبت به غزل سعدی عرفانی‌تر و ارتباط عمودی ابیات ضعیف‌تر

زیبایی‌شناسی:

■ غزل سعدی: اضافه تشبیهی (تشبیه فشرده): مرغ دل

جناس ناهمسان (ناقص): جان و جهان - راستان و آستان

جناس همسان (تام): که (ضمیر مبهم) که (حرف ربط)

حس آمیزی: جواب تلخ

■ غزل صائب: اضافه تشبیهی (تشبیه فشرده): دفتر حسن - پرده اجمال - خار استدلال

استعاره: پیشانی عفو - غربال - جان‌بخشی در بیت‌های ۲ و ۵

اسلوب معادله: بیت سوم

توضیح:

الف) قلمرو زبانی: غزل سعدی واژگان نسبتاً کهنه‌تری دارد مثل: غایب، مقصود، آستان، آشیان و در غزل صائب واژگان جدیدتری به چشم می‌خورد مثل: همسفر هر چند که در غزل صائب هم واژگان کهن دیده می‌شود مثل: تمثال، ادبار، اقبال در غزل صائب واژگان و ترکیباتی از فرهنگ عامیانه هم به چشم می‌خورد مثل: یک کوچه راه، روزی ما پارهٔ سوراخ این غربال‌ها

ب) قلمرو فکری: غزل سعدی محتوای عاشقانه دارد با تقریباً یک وحدت موضوع؛ اما غزل صائب نوعی گفت‌وگوی درونی شاعر با خداست که بی‌توجه به امور دنیوی خوش هم نیست.

پ) آرایه‌ها در غزل سعدی کمتر و زبان شعری روان‌تر و قابل فهم‌تر است و در غزل صائب بیشتر است و آرایه‌ها عمدتاً تشبیه (دفتر حسن، مغرب ادبارها، خار استدلال و...) و تشخیص (پیشانی عفو، با عقل همسفر شدن و...) است.

۲ در ابیات و عبارات زیر...

الف) کشتی عشق، عشق: مشبه، کشتی: مشبه‌به

ب) ابرکرم: کرم: مشبه، ابر: مشبه به / باران محبت: محبت: مشبه، باران: مشبه‌به
پ) ظلمات جهل: جهل: مشبه: ظلمات: مشبه‌به / ظلمات ضلال: ضلال: مشبه، ظلمات مشبه‌به

چراغ هدایت: هدایت: مشبه، چراغ مشبه‌به

ت) مه طاسک گردن سمندت: مه: مشبه، طاسک (گردن سمندت): مشبه‌به / شب طره پرچم سیاهت: شب: مشبه طره (پرچم سیاهت): مشبه‌به

چرخ خاک پایت: چرخ: مشبه، خاک (پایت): مشبه‌به / عقل طفل راهت: عقل: مشبه، طفل (راهت) مشبه به

ث) دریای چشمان تو: چشمان: مشبه، دریا: مشبه به

۳ مجاز را در بیت‌های...

الف) عالم (کلیّه) نرگس (شباهت)
 ب) خون (سببیه)
 پ) دست (آلیّه)

۴ در ابیات و عبارات زیر...

الف) بت (مشبّه‌به) - گل (مشبّه‌به) - سنبل (مشبّه‌به) - خط (مشبّه‌به)
 ب) زندان (مشبّه‌به) / چاه ظلمانی: مشبه‌به / دلا (ای دل): مشبه

۵ در ابیات زیر عبارت کنایه...

الف) دستش نگیرم (مانعش نمی‌شوم)
 ب) بنشاندت پیش آموزگار (تو را تعلیم می‌دهد)

۶ آرایه‌های تشبیه...

الف) استعاره: دلِ لاله بر سرو
 تشبیه: باغِ جهانِ لاله‌عذار
 کنایه: داغ بودن بر لاله: نشان غم داشتن / نیلی است بر سرو (رنج کشیده است)
 ب) استعاره (جان‌بخشی) با آسمان مفاخره کردیم
 کنایه: دم زدن (سخن گفتن)
 تشبیه پنهان: تو مثل ستاره‌ای
 پ) کنایه: تا در زمانه باقی است آواز باد و باران (تا دنیا هست)
 نغمه محبت: تشبیه فسرده
 آواز باد و باران: استعاره (تشخیص)
 ت) استعاره (جان‌بخشی): عقل گوید/ عشق گوید
 ث) تشبیه گسترده: سرشک چو باران - روزگار عمر مثل برق
 ج) تشبیه فسرده: تو روشنی روز هستی - تو شادی هستی - تو ماه هستی
 استعاره: ابر شکر بار (معشوق)

- (چ) تشبیه فشرده از نوع ترکیب اضافی: بهار توحید - درخت معرفت - چشمه حکمت - یاسمین شوق
- (ح) کنایه: دلم شکستی (ناراحتی کردی)
- استعاره: آبگینه (دل)
- (خ) استعاره (جان‌بخشی): ای درخت - آسمان در آغوش درخت خفته است
- تشبیه: درخت تو قامت بلند تمنّایی
- (د) تشبیه: جهان آیینه است مهر: استعاره و مجاز.
- (ذ) تشبیه: همگنان مثل صدف بودند
- (ر) استعاره: گل بوستان‌سرا (معشوق) / از پس پرده در آمدن کنایه از جلوه‌گری
- (ز) تشبیه: گلاب سرشک - من مثل گل هستم / گلاب سرشک: تشبیه فشرده / من چو گل: تشبیه گسترده / یک روز خندیدن کنایه از مدت اندکی شاد بودن / عمری گریستن: کنایه مدت زیادی غمناک بودن
- (ژ) تشبیه: نقد جوانی / سفیدی: کنایه از پیری و گذر عمر / رشته: استعاره و مجاز / نقد جوانی: تشبیه فشرده

۷ با خوانش درست ابیات...

الف) اگر تو ز...

اگر تُو	زِ آمو	خ تَن سَر	نَ تا بی
بِ جو یَد	سَ رِ تُو	هَ می سَر	وَرِی را

ب) در هوایت...

دَر هَ وَا یَت	بی قِ را رَم	رو زُ شَب
سر ز پا یَت	بَر نَ دا رَم	رو زُ شَب

۸ با خوانش بیت‌ها...

الف) ز چشم شوخ تو...

ز چش م شو	خِ تُّ جان کی	ت وان بُرد
ک دا یم با	ک ما نَن دَر	ک می نَسْت

ب) نمیرم از این پس...

ن می رم	اَزین پَس	کِ مَن زِن	دِ اَم
کِ تُّخ مِ	سُ خَن را	پَ را کَن	دِ اَم

۹ با توجه به آهنگ بیت زیر...

ن می دانم	بِ گو عِشِ قِ	تُّ از جا نَم	چ می خا هَد
چ می خا هَد	بِ گو عِشِ قِ	تُّ از جا نَم	ن می دا نِم

۱۰ بیت‌های زیر متناسب...

الف) باز آمدم...

پایه‌های آوایی	با ز ا م دَم دَر مَن نِ گَر	با ز ا م دَم دَر مَن نِ گَر	اَزی شِ آن بِه رِ تُّ غَم	یا را م دَم خا را م دَم
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
خوشه‌های هجایی	--و--	--و--	--و--	--و--

(ب) ای همه هستی...

پایه‌های آوایی	ایَ هَ مَ هَس خَا کِ ضَ عِی	تِی زُ تِ پی فَز تِ تِ وَا	دَا شُ دِ نَا شُ دِ
وزن واژه	مفتعلن	مفتعلن	فاعلن
خوشه‌های هجایی	- ۰ ۰ -	- ۰ ۰ ۰ -	- ۰ -

۱۱ پایه‌های آوایی بیت‌های زیر...

(الف) از نظرت کجا رود...

پایه‌های آوایی	اَز نَ ظَ رَت رَف تِ رَ هَا	کُ جَا رَ وُد نِ مِی کِ نِی	وَرِبَ رَ وُد اَمَ دُ رَه	تَ هَمَ رَ هِی نِ مِی دَ هِی
وزن واژه	مفتعلن	مفاعلن	مفتعلن	مفاعلن
خوشه‌های هجایی	- ۰ ۰ -	- ۰ - ۰	- ۰ ۰ ۰ -	- ۰ - ۰

(ب) اشک سحر زداید...

پایه‌های آوایی	اَش کِ سِ خُر رَمَ کِ	هَر زُ دَا یَد نَدِجَ مَن رَا	اَز لُ وِ ح بَا رَا نِ	دَل سِ یَا هِی صُب حَ گَا هِی
وزن واژه	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
خوشه‌های هجایی	۰ - -	- - ۰ -	۰ - -	- - ۰ -

۱۲ بیت‌هایی را که نظم همسان...

(ب) بسیار گنه کردیم...

پایه‌های آوایی	بس یا ر شاید ک	کُ نه کَر دیم بِ ما بَخ شی	آن بود از رو یِ	قَ ضای تُ کَ رم آن‌ها
وزن واژه	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	ـ__ـ	___ـ	ـ__ـ	___ـ

(پ) هر دم از این باغ...

پایه‌های آوایی	هَر دَم زین تا زِت رَز	باغ بَ ری تا زِت ری	می رِ سَد می رِ سَ
وزن واژه	مفتعلن	مفتعلن	فاعلن
خوشه‌های هجایی	ـ__ـ	___ـ	ـ__ـ

۱۳ بیت‌های زیر را تقطیع هجایی...

(الف) دائم گل این بستان...

پایه‌های آوایی	دا ئم گُ در یا ب	ل این بُس تان ضَ عی فان را	شا دا ب در وَ قَتِ	ن می ما نَد تَ وَا نایِ
وزن واژه	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	ـ__ـ	___ـ	ـ__ـ	___ـ

(ب) هر نفس آواز عشق...

پایه‌های آوایی	هَر نَ فَ سَا مَ بِ فَ لَکَ	وَا زِ عِشِّ قِ مِی رَ وِیْمِ	مِی رِ سِ دَ زِ عَ زِ مِ تَ مَ	چَ پِ پُ رَ اسْتِ شَا کِ رَ اسْتِ
وزن واژه	مفتعلن	فاعِلن	مفتعلن	فاعِلن
خوشه‌های هجایی	-U U-	-U-	-U U-	-U-

(پ) غمناک نباید بود...

پایه‌های آوایی	عَمَ نَا کِ شَا یَدِ کِ	نَ بَا یَدِ بُوْدِ چُ وَا بِی نِی	أَز طَعِ نِ خِی رِ تِ	حَ سُو دِی دِلِ دَرِیْنِ بَا شُدِ
وزن واژه	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	U--	---U	U--	---U

منابع و مأخذ

- آرایه‌های ادبی، هادی، روح‌الله، اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، ۱۳۹۴.
- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۲.
- عروض و قافیه از دریچه پرسش، هادی، روح‌الله، سمت، تهران، ۱۳۹۲.
- ادبیات فارسی (قافیه، عروض، سبک‌شناسی و نقد ادبی) دوره پیش‌دانشگاهی (کتاب درسی وزارت آموزش و پرورش)، وحیدیان کامیار، تقی، زرین کوب، عبدالحسین، زرین کوب، حمید، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۹۴.
- بدیع، فنون و آرایش‌های ادبی، بهزادی اندوهجردی، حسین، دانشگاه آزاد اسلامی، اول، ۱۳۷۵.
- بررسی اوزان شعر فارسی (عروض)، زمانیان، صدرالدین، انتشارات فکر روز، چاپ بنیاد جانبازان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله، جلد ۱ و ۲، فردوس، چاپ نهم، تهران، ۱۳۷۴.
- تاریخ ادبیات ایران، رضازاده شفق، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۴۳.
- خمسۀ نظامی، به تصحیح وحید دستگردی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۳.
- دیوان اشعار، حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، زوآر، تهران، ۱۳۷۰.
- دیوان اشعار، خاقانی شروانی، به کوشش ضیاءالدین سجّادی، زوآر، تهران، ۱۳۵۷.
- دیوان اشعار، عطار نیشابوری، فریدالدین، به کوشش تقی تفضلی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۶.
- دیوان اشعار، فرخی سیستانی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، انتشارات زوآر، تهران، ۱۳۷۴.
- دیوان اشعار، منوچهری دامغانی، محمد دبیرسیاقی، نشر زوآر، تهران، ۱۳۷۵.
- دیوان اشعار، ناصر خسرو، به کوشش مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- دیوان انوری، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.

- دیوان جامی، نورالدین عبدالرحمن، با مقدمه و اشراف محمد روشن، انتشارات نگاه، ۱۳۸۰.
- دیوان خاقانی، تصحیح ضیالالدین سجّادی، زوّار، تهران، ۱۳۶۹.
- دیوان شمس تبریزی، با مقدمه بدیع الزّمان فروزانفر، حواشی و تعلیقات: م. درویش، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۱.
- راهنمای برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی، گروه زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۲.
- راهنمای معلم علوم و فنون ۱، دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری، اوّل ۱۳۹۵.
- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، فردوس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵.
- سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا، سیروس، فردوس، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۰.
- شاهنامه فردوسی، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، چاپ سوم، انتشارات علمی، ۱۳۶۱.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی، محمد رضا، آگاه، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمد رضا، آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
- عروض و قافیه، توتونچیان، الهه، باستان، چاپ اوّل، ۱۳۷۳.
- عروض و قافیه، طباطبایی، سید مصطفی، لوح زرین، ۱۳۸۳.
- عروض فارسی (شیوه‌ای نو برای آموزش عروض و قافیه)، ماهیار، عباس، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۸.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، فردوس، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۴.
- کلیات سعدی، سعدی شیرازی، ابوعبدالله شرف‌الدین مصلح، به کوشش محمد علی فروغی، عباس اقبال آشتیانی، نشر جاودان، تهران، ۱۳۷۱.
- گزیده غزلیات مولوی، شمیسا، سیروس، دادار، چاپ اوّل، تهران، ۱۳۷۸.

- مبانی خواندن در زبان فارسی، اکبری شلدره، فریدون، کجائی حصارى، حجت و خاتمی، رضا، نشر لوح زرین، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
- مثنوی معنوی، مولوی، جلال‌الدین محمد، تصحیح نیکلسون، با مقدمه قدمعلی سرّامی، انتشارات بهزاد، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
- مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور، مروارید، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸.
- نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس، ویرایش دوم، نشر فردوس، تهران، ۱۳۸۳.
- وزن شعر فارسی، خانلری، پرویز، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۷.
- وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۷.

